

دفتر هفتم از مجموعه غنچه تا بقچه

سروباشکوه

نگاهی به مسائل اشتغال

نویسنده:

دکتر احمد علی معصومی

سرشناسه	: معصومی، احمدعلی، ۱۳۲۹ -
عنوان و نام پدیدآور	: سرو باشکوه: بدو، بدو و بارهم بدو(بدنیال کار...کار...کار...)/احمدعلی معصومی.
مشخصات نشر	: اردبیل: انتشارات محقق اردبیلی، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	: ۲۰ ص. وزیری
فروست	: ... مجموعه غنچه تا بغچه : دفتر هفتم.
شابک	: 978-600-344-245-0
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
موضوع	: جوانان -- اشتغال
موضوع	: نوجوانان و جوانان -- وضع اجتماعی
رده برکت کنگ	: ۱۳۹۲ س۴م/۹۶/۹۶ HQ
رده بندی دی	: ۲۰۵/۲۳۵
شماره کتابشناسی ما	: ۴۱۲۸۲۸۷

نام کتاب: سرو باشکوه

نگاهی به مسائل اشتغال

نوشته: دکتر احمدعلی معصومی

ناشر: محقق اردبیلی

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۵

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۴۰۰۰ تومان

چاپ: جامی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۴۴-۲۴۵-۰

تمام حقوق برای مؤلف محفوظ است.

چرائی دويدن. چرا بايد دويد؟! با کمی چاشنی مزاح شروع کنیم باهم بدویم موقع دويدن چرائی را می گویم! فعلاً بدو!... بايد دويد! بايد دويد! هم برای کسب استقامت و هم برای خرج کردن آن بايد دويد!! چند دور؟! چند دور نیست مرحله ای و زمان بندی است! از کجا تا کجا؟! از خنچه يا بقچه!! يعنی چه؟! اين چه شوخيه؟! نفس... نفس... هن... هن... گوش کنيد قبل از اينکه نفس بند بيايد توضيح می دهم منظور از خنچه همان خنچه عقد است.

خنچه بيار... لا! بكاريد. غنچه بياريد شاه داماد مبارک بادا و... اين مهمترين قسمت زندگي است. بعد از آمادگي ر پخته شدن و بلوغ جسمی و روانی و عاطفی. نفس کم آوردم هن... هن... لا! بقچه بيار! توضيح زياد لازم نیست خسته می شوم نفس کم می آورم! نمی شود هم دويد هم حرف زد برای انجام کار بسته و بقچه ای تهيه می شود و در پايان کار بقچه بسته می شود. يعنی چه؟! ما به اينکار مجبوريم...

بقچه... بقچه... هان بقچه. بعدش چی؟! بقچه باقيماندهی وجودی و شخصیتی و ثمره دويدن و همه داشته های از دست داده و باقيمانده کوچک از آنها پيچيده در یک پارچه سفيد چند متری!!! هن... هن... سرفه... ديگر نفس ندارم! ايست... ايست

کمی صبر کنيد لحظاتی بعد کمی جدی تر سخن ها خواهیم داشت اين مراحل مثل یک فيلم و تئاتر تراژدی کميک است. هي نرو نرو، برو بدو... آخرش خط مستقيم و صاف است.

من مراحل زندگي را در نه منزل می بينم. هر منزل اسمی دارد و حرکت در آن نيز نوعی از حرکت هاست.

۱- غنچه (نرو)

۲- شکوفه (برو)

۳- شاخه گل (بدو)

۴- نهال (بدو بدو)

۵- سرو (خیلی بدو)

۶- سبز پویا (بدو... رو)

۷- سبز باشکوه (باز هم برو)

۸- ریشه دار (خیلی بدو همیشه بدو)

۹- بقچه (ایست)

درختان ایستاده می میرند یا می مانند. سیری بی گریز از غنچه به خزان است. چند ثانیه راحت باش؟! حالا بدو! بدو! زیاد بدو!! برای چی!! برای کار، جوانی رعنا از مرحله غنچه به دمال و سبزی رسیده است باید شکوهی پیدا کند! سبز باشکوه این ردای باشکوه برای او کار و شغل است. باید جست و یافت بدو، بدو، بدو... خیلی بدو... یافت! یافت! نشاء دربار و دیدن و دویدن، شرط گزینش، من دیروز از سربازی وطنم پایان کار گرفته ام. من مسلمان و وطن دوست هستم. من گوشه ای از محافظان این مرز و بوم بودم. دوره ام تمام شد. سالانه هم خدمت کردم. حالا چرا گزینش!! چرا پذیرفته نشدم مگر وفاداری به میهن فقط شهادت است ممکن بود من هم در یکی از عملیات شهید می شدم حالا چون شده باید گزینش شوم! درجه ایمان و وفای ما را چطور اندازه می گیرند! یافتم یافتم!! کارهای مجرد نیست! کارگر ساختمانی می خواستند برای یکی دو روز! من باید به دین مملکت بخورم. سالها تحصیل کرده و همه خانها را گذرانده ام، حالا نباید مرحله بیکاری باشد باید کار دنبال ما جوانها بدود نه ما دنبال کار!

بالاخره بعد از سالها کاری پیدا می شود نامناسب! جوان ما چند ثانیه به خودش راحت باش می دهد. در جا راحت باش! از بیکاری خسته شدم لختی بیاسیم!

دکتر احمد علی معصومی

آبان ماه ۹۴

فهرست

- ۱- مقدمه..... ۹
- ۲- کمی بعد از پایان سربازی..... ۹
- ۳- دو روز بعد از پایان دوره..... ۱۰
- ۴- مهمانی بعد از پایان دوره..... ۱۱
- ۵- فشارهای قبل از کار..... ۱۲
- ۶- توصیه های اطرافیان برای کار..... ۱۴
- ۷- اقدامات عملی برای کاریابی خصوصی..... ۱۴
- ۸- استمداد از بخش دولت..... ۱۵
- ۹- گزینه ی سوم ۴۴..... ۱۵
- ۱۰- ادامه ی درس و علم..... ۱۶
- ۱۱- فکر تلخ !!!..... ۱۷
- ۱۲- کارآفرینی..... ۱۷
- ۱۳- به یاد خاطره !..... ۱۸
- ۱۴- عدل و عدالت در کار..... ۲۱
- ۱۵- اقتصاد کار..... ۲۲
- ۱۶- یک چشم ناظر..... ۳۱
- ۱۷- یک داستان کیفی..... ۳۴
- ۱۸- تغییرات رگباری و مصلحتی در موضوع درمان..... ۳۵